

## تطبیق آثار ادبی جزایر بریتانیا<sup>۱</sup>

سوزان باسنت، استاد ادبیات تطبیقی و ترجمه‌پژوهی دانشگاه واریک - انگلستان  
ترجمه سعید رفیعی خضری،\* عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۵/۳۰

### چکیده

در این فصل باسنت به بررسی ادبیات تطبیقی در جزایر بریتانیا می‌پردازد. او معتقد است برای تطبیق آثار ادبی جزایر بریتانیا نه تنها باید به ماهیت الفاظ، الفاظی چون بریتانیا و جزایر بریتانیا توجه شود بلکه باید به زبان‌ها و گویش‌ها و ارتباط آنها با هویت نیز توجه شود. تاریخ در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد. اقلیم‌گرایی و اقلیم‌گرایی از مفاهیمی است که نباید آنها را از نظر دور داشت، ضمن اینکه باید به مفاهیم جدید، مفاهیمی همچون پژوهش‌های فرهنگی، انتقال فرهنگ، تجربیات مشترک و جز اینها هم توجه شود.\*\*

**کلیدواژه‌ها:** تطبیق الفاظ، زبان، گویش، هویت، اهمیت تاریخ، اقلیم‌گرایی، اقلیم‌گرایی.

<sup>۱</sup> این مقاله با عنوان "Comparing the literatures of the British Isles" فصلی است از کتاب *ادبیات تطبیقی، مقدمه‌ای انتقادی*.

Susan Bassnet. *Comparative Literature: A Critical Introduction*. Oxford: Blackwell, 1993.

\* Email: s\_rafieykhezry@yahoo.com

\*\* این فصل چکیده نداشته و مترجم طبق اصول ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی چکیده‌ای بدان افزوده است.

### ۱. حکایتی به عنوان مقدمه

چند سال پیش در دیداری از آکادمی علوم اسلوواکی<sup>۱</sup> در براتیسلاوا<sup>۲</sup>، دیونیز دوریسین<sup>۳</sup> یکی از تطبیق‌گران مشهور اسلوواک از من خواست نام چند تن از همکاران را ببرم که در بریتانیا و در حوزه ادبیات تطبیقی بریتانیا فعالیت می‌کنند. در مقام یکی از پایه‌گذاران «انجمن ادبیات تطبیقی بریتانیا»<sup>۴</sup> و خزانه‌دار آن زمان انجمن مطمئن بودم می‌دانم چه کسی چه کار می‌کند، پس چنان‌که باید و شاید به ردیف کردن نام همکارانی پرداختم که در بخش‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه فعالیت می‌کردند و از چند برنامه مشخص هم در حوزه ادبیات تطبیقی نام بردم. او که به نظر سردرگم شده بود دوباره از من خواست از همکارانی نام ببرم که در حوزه ادبیات تطبیقی بریتانیا فعالیت می‌کنند. من به او اطمینان دادم آنهایی را که نام بردم گروهی منتخب‌اند. او با احترام متذکر شد که اینها همه پژوهشگرانی در فرانسه، آلمان یا انگلیس‌اند. من دوباره تأکید کردم که آنها از تطبیق‌گران برجسته ما هستند. بعد هر دو، از پشت فنجان‌های قهوه با تعجب به یکدیگر نگاه کردیم.

چند دقیقه طول کشید تا به فکر رسید که او واقعاً چه می‌خواسته است. به‌طور ساده نام افرادی را می‌خواسته که مشغول تطبیق آثار ادبی جزایر بریتانیا بودند، زیرا از نظر او و همکارانش این کار وظیفه اصلی تطبیق‌گران بریتانیایی بود. زمانی که گفتم چنین برنامه‌های آموزشی یا پژوهشی‌ای تاکنون نبوده، حتی در انجمن ادبیات تطبیقی بریتانیا به این مسائل توجه هم نشده است، با ناباوری روبه‌رو شدم. باید اذعان کنم که همه می‌خواستند بدانند چرا جوابی نداشتم.

متعاقب آن ملاقات، من از خودم پرسیدم چرا نتوانستم به سؤال آنها پاسخ دهم و اصولاً چرا نباید در راستای خطوط کلی‌ای که همکاران اسلوواک گفتند تحولاتی پدید آمده باشد. سال بعد در برنامه درسی نظریه ادبیات تطبیقی در دوره کارشناسی ارشد،

<sup>۱</sup> Slovak Academy of Science

<sup>۲</sup> Bratislava پایتخت کشور اسلوواکی

<sup>۳</sup> Dionyz Durisin (۱۹۲۹-۱۹۹۷) نظریه‌پرداز ادبی و تطبیق‌گر برجسته اسلوواک

<sup>۴</sup> British Comparative Literature Association (BCLA)

میزگردهایی درباره مسائل ادبیات تطبیقی بریتانیا برگزار کردم که از آن زمان تا به حال به صورت واحد درسی مستقلی درآمده است. در این درس امکان استفاده از جزایر بریتانیا به عنوان نمونه‌ای برای مطالعه موردی طیف کاملی از مسائل ادبیات تطبیقی فراهم شده است؛ مسائلی که در رویکرد قدیمی بررسی دوشقی یا در هر رویکرد صورت‌گرای دیگر، هرگز امیدی برای پرداختن به آنها نبود چه رسد به حل آنها.

## ۲. مسائل مربوط به الفاظ

نخستین و فوری‌ترین مسئله، مسئله مربوط به الفاظ است. تفاوت قابل توجهی وجود دارد میان لفظ «بریتانیا» که جوهری سیاسی دارد و لفظ «جزایر بریتانیا» که جوهری جغرافیایی دارد. لفظ سومی نیز هست: «بریتانیای کبیر» که ناظر بر انگلستان، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی است. جزیره من<sup>۱</sup> و مجمع‌الجزایر<sup>۲</sup> از نظر حقوقی جزو بریتانیای کبیر نیستند، اگرچه مستعمره پادشاهی بریتانیا هستند. جمهوری ایرلند یا ایرلند جنوبی کشوری مجزاست، اگرچه به لحاظ جغرافیایی می‌توان آن را بخشی از جزایر بریتانیا دانست. جمع‌وجور کردن این وضعیت از طریق لفظ‌گذاری بسیار پیچیده است و اشتباه کردن می‌تواند بسیار برخوردنده باشد. خوب برای مثال اگر ما از ادبیات تطبیقی در بریتانیا صحبت کنیم که شامل نویسندگان ایرلندی شود، اختصاص آثار ایرلندی به بریتانیا نوعی تصرف محسوب می‌شود. البته این عمل باعث نشده است که نسل‌هایی از پژوهشگران چنین کاری نکنند (برای مثال در چه تعداد از واحدهای ادبیات تطبیقی انگلیس بیتس<sup>۳</sup> و جویس<sup>۴</sup> برجسته شده‌اند؟)، هرچند وایشتاین<sup>۵</sup> هرگونه تلاشی برای

<sup>۱</sup> Isle of Man جزیره‌ای در دریای ایرلند، میان بریتانیا و ایرلند که جزو بریتانیا نیست اما ملکه انگلیس در آنجا رئیس دولت است.

<sup>۲</sup> Channel Islands مجمع‌الجزایر تحت‌الحمایه پادشاهی بریتانیا.

<sup>۳</sup> William Butler Yeats (۱۸۶۵-۱۹۳۹) شاعر ایرلندی و از شخصیت‌های برجسته قرن بیستم در حوزه ادبیات.

<sup>۴</sup> James Joyce (۱۸۸۲-۱۹۴۱) شاعر و رمان‌نویس مشهور ایرلندی.

<sup>۵</sup> Ulrich Weisstein (۱۹۲۵-) استاد ممتاز ادبیات تطبیقی و مطالعات آلمانی در دانشگاه ایندیانا، آلمانی و متولد برسلاو (Breslau).

جدا کردن ادبیات انگلیس از ایرلند را «سره‌گرایی روش‌شناختی نادرست»<sup>۱</sup> دانست. سیمس هینی<sup>۲</sup> نظر بسیار متفاوتی دارد. او در اثر معروف خود «نامه سرگشاده»<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) که به‌عنوان اعتراض، برای آوردن نامش در کتاب شعر معاصر بریتانیا از انتشارات پنگوئن<sup>۴</sup> (۱۹۸۲) ویراسته بلیک ماریسون<sup>۵</sup> و اندرو موشن<sup>۶</sup> نوشته است با صراحت می‌گوید:

متنفرم، دندان گرفتن دستی را که مرا می‌اندازد

بر سر زبان‌ها، در کتاب پنگوئن

متأسفم، از این همه ناشیگری

اما بریتانیا، نه، نمی‌تواند نام درستی باشد<sup>[1]</sup>\*

این نام درست نیست اگر این فرض وجود نداشته باشد که «بریتانیا» به‌عنوان یک لفظ می‌تواند برای کشورهای چند به کار رود و نه برای پادشاهی بریتانیا که در این صورت پذیرفتنی نیست. این سره‌گرایی روش‌شناختی نادرست نیست و در اصل مسئله‌ای اساسی است. یک راه برون‌رفت از این مسئله در جهت اهداف تطبیقی، کنار گذاشتن لفظ بریتانیا و در عوض، جانشین کردن لفظ جزایر بریتانیا در مطالعه تطبیقی آثار ادبی است.

### ۳. زبان‌ها، گویش‌ها و هویت

گلنویل پرایس<sup>۷</sup> در کتاب خود *زبان‌های بریتانیا* به‌طور خاص ایرلند را از جمهوری ایرلند جدا می‌کند زیرا برای لفظ بریتانیا قائل به مفاهیمی ضمنی است.<sup>[2]</sup> مطالعه او

<sup>1</sup> misguided methodological purism

<sup>2</sup> Seamus Justin Heaney (۱۹۳۹-۲۰۱۳) شاعر، نمایشنامه‌نویس و مترجم ایرلندی، برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۹۵.

<sup>3</sup> Open Letter

<sup>4</sup> Panguin Book of Contemporary British Poetry

<sup>5</sup> Blake Morrison (۱۹۵۰ - ) شاعر و نویسنده بریتانیایی.

<sup>6</sup> Andrew Motion (۱۹۵۲ - ) شاعر، رمان‌نویس و زندگینامه‌نویس انگلیسی.

\* پی‌نوشت‌های خود متن که با اعداد درون قلاب مشخص شده‌اند در پایان مقاله آمده.

<sup>7</sup> Glanville Price استاد ممتاز زبان فرانسه در دانشگاه ولز.

مطالعه‌ای تاریخی است اما رده‌بندی او را امروز در قرن بیستم هم می‌توان وام گرفت که در آن، نقشه‌ی زبانی جزایر بریتانیا اساساً شامل زبان‌های سلتی (گالیک ایرلندی، ایرلندی شمالی ایرلند، گالیک اسکاتلندی و ولزی به‌عنوان زبان‌های زنده و پیکره‌ای از متون در زبان‌های کوروالی و جزیره‌ی من)، زبان‌های ژرمنی (انگلیسی، اسکاتلندی و اسکاندیناویایی)، زبان در مجمع الجزایر فرانسوی و شمار رو به رشد زبان‌های روزمره در جوامع مهاجر می‌شود. مسئله‌ای که برای تطبیق‌گر وجود دارد این است که زبان‌های سلتی و ژرمنی به‌طور نامنظم پراکنده‌اند. زبان انگلیسی قالب است و حاشیه‌ای بودن زبان‌های سلتی نیز بدین معناست که آنها را تنها باید در محل‌های اصلی خود یاد گرفت. در مدارس انگلستان ممکن است زبان‌های فرانسوی یا آلمانی درس داده شود؛ اما زبان‌های سلتی جزایر بریتانیا که متعلق به گروه‌های قومی است درس داده نمی‌شود؛ یعنی پژوهشگرانی هستند که به‌نوعی مشغول مطالعات تطبیقی زبان‌های سلتی‌اند اما تنها در چارچوب مطالعات سلتی یا مطالعات ایرلندی یا مطالعات اسکاتلندی.

مسئله‌ی اسکاتلند با پا گرفتن زبان‌های اسکاتلندی و لئنز<sup>۱</sup>، از زبان‌های ژرمنی و گونه‌ای از زبان انگلیسی، در قرن بیستم پیچیده‌تر می‌شود. گلنویل پرایس ادعا می‌کند برای اینکه اسکاتلندی را زبان به حساب بیاورد و نه گونه‌ای از زبان انگلیسی، چهار بار نظرش را عوض کرده است.<sup>[3]</sup> او همانند دیگران خاطر نشان می‌کند که اگر تمایز میان زبان و گویش تنها بر مبنای معیارهای زبان‌شناختی صورت گیرد، به زحمت می‌توان دانمارکی و سوئدی و نروژی را در رده‌ی زبان‌ها قرار داد. در رده‌ی زبان قرار دادن آنها به قدرت سیاسی برمی‌گردد؛ به این واقعیت که هریک از گونه‌های اسکاندیناویایی، زبان دولتی ملی است. در نتیجه مسئله‌ی مربوط به انگلیسی اسکاتلندی، مسئله‌ای بسیار ظریف است زیرا از نظر حقوقی اسکاتلند بخشی از بریتانیای کبیر است، گو اینکه می‌توان نشان داد دوران پررونق ادبیات در اسکاتلند به قرن چهارده برمی‌گردد.

اگر ما برای تطبیق به معیاری متوسل شویم که پیروان سنت بررسی دو شقی بنیاد نهاده‌اند، یعنی تطبیق در حدود مرزهای زبانی، در تطبیق آثار ادبی جزایر بریتانیا خود را

<sup>۱</sup> Lallans اصطلاحی به‌معنای دشت‌های اسکاتلند (Cowland of Scotland) که در زبان اسکاتلندی به کار می‌رفت.

در وضعیت مضحکی می‌یابیم. با توجه به محدودیت‌های این نوع بررسی تنها پژوهشگران دوزبانه‌ای که زبان سلتی و انگلیسی می‌دانند می‌توانند دست به تطبیق زنده و اسکاتلندی و انگلوزلی و انگلوایرلندی به‌دلیل نامشخص بودن مرز میان زبان بودن یا گویش بودن آنها باید کنار گذاشته شوند. نتیجه این عمل تأییدی است بر تسلط زبان انگلیسی و هرچه بیشتر حاشیه‌ای شدن تولیدات ادبی ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی. این مسئله گویش شامل انگلیسی انگلیس هم می‌شود. هنری وایلد<sup>۱</sup> در اوایل قرن بیستم انگلیسی استاندارد را گویش طبقاتی تعریف می‌کند و استدلال می‌کند که این گونه انگلیسی در میان طبقات تحصیل کرده بدون توجه به خاستگاه منطقه‌ای متداول است. اگر ما بتوانیم لهجه اسکاتلندی یا لیورپولی یا لندی یا گلاسترشر<sup>۲</sup> را در فردی تشخیص دهیم، او انگلیسی را خوب و با وضوح کامل صحبت نمی‌کند.<sup>[4]</sup> جورج سمپسون<sup>۳</sup>، چند سال بعد در اثر خود *انگلیسی برای انگلیسی* دوباره به مسئله دادن تعریف برای انگلیسی استاندارد بازگشت و اظهار داشت:

می‌دانیم چه چیزی انگلیسی استاندارد نیست و این آن‌طور که باید و شاید راهنمایی عملی است. اگر کسی نمونه‌ای قطعی برای انگلیسی استاندارد بخواهد می‌توانیم به او بگوییم این گونه‌ای است که یک مرد انگلیسی جوان مانند شاهزاده ولز بدان تکلم می‌کند.<sup>[5]</sup>

پس انگلیسی استاندارد گویشی طبقاتی بوده و هست که تحت تأثیر لهجه محلی قرار نگرفته است و طرز سخن گفتن پادشاه آینده انگلستان است. بروز احساسات پُرننگ از سوی ساکنان ولز، اسکاتلند یا ایرلند برضد زبان انگلیسی اصلاً تعجب‌آور نیست. ساندرز لوئیس<sup>۴</sup> یکی از بنیان‌گذاران حزب ملی‌گرای ولز گله می‌کند که:

ما نه زبان داریم نه گویش. کمترین اطلاعی هم از توهین نداریم. مهم‌ترین هدیه ما به تاریخ وکلایی است که به مجلس فرستاده‌ایم.<sup>[6]</sup>

<sup>۱</sup> Henry Wylde (۱۸۷۰-۱۹۴۵) واژه‌نگار و لغت‌شناس انگلیسی.

<sup>۲</sup> Gloucestershire استانی در جنوب غربی انگلستان.

<sup>۳</sup> George Sampson (۱۸۷۳-۱۹۵۰) نویسنده انگلیسی.

<sup>۴</sup> Saunders Lewis (۱۸۹۳-۱۹۸۵) شاعر، نمایشنامه‌نویس، تاریخ‌نگار و نقاد ادبی ولزی.

در حالی که هیو مک‌درمید<sup>۱</sup> شاعر بزرگ دوران رونق درباره زبان اسکاتلندی اعلام می‌کند:

هنوز برای نیروهایی به پا می‌خیزم  
که در پی قدرت بخشی  
به انگلستان بودند  
به گونه‌های انگلیسی و اسکاتلندی  
هرچند ناسازگار با افکارم.<sup>[7]</sup>

آنچه این نویسندگان می‌کنند انعکاس دادن احساساتی در شعر است که بیش از یک قرن پیش نویسندگان ایرلندی و بنیان‌گذاران «ملت» می‌کردند. وقتی تامس دیویس<sup>۲</sup> (۱۸۱۴-۱۸۴۵) در مقاله‌ای درباره زبان و هویت ملی نوشت: «چقدر غیرطبیعی - چقدر مسخ‌کننده است وقتی سه‌چهارم از آنهایی که خون سلتی در رگ دارند آمیزه‌ای از گونه‌های زبان ژرمنی را به کار می‌برند... چه وظیفه‌ای در قبال انگلیسی - نورماندی داریم؟»<sup>[8]</sup> دیویس همانند بسیاری از نویسندگان اسکاتلندی، ولزی و ایرلندی بعد از خود، کاملاً از ارتباطات میان زبان و خودآگاهی ملی و هویت آگاه بود. سرکوب زبان‌های سلتی، مجازات سلتی‌زبان‌ها، فرایند انگلیسی‌کردن اسامی مکان و اسامی تعمیدی برای قرن‌ها، میراث تلخی باقی می‌گذارد به همان شدتی که امروز در میان گروه‌های قومی در امتداد بالتیک و آسیای مرکزی احساس می‌شود که مجبورند بر مبنای سیاست اتحاد شوروی سابق از زبان روسی استفاده کنند. این روند نویسندگان را نیز سیاست‌زده می‌کند. جان ویلیامز<sup>۳</sup> با اینکه صفت «بریتانیایی» را به‌نحوی به کار می‌برد که بسیار بحث‌برانگیز است، وضعیت موجود را نسبتاً با مهارت جمع‌بندی می‌کند:

بسیاری از شاعران اسکاتلندی و ایرلندی و ولزی در جریان اصلی شعر بریتانیا بارها آگاهی سیاسی خود را نشان داده‌اند... از منظر خود، غیرمستقیم به مسائل اجتماعی و اقتصادی انگلستان نگاه کرده‌اند. برای اسکاتلند و ولز و ایرلند چشم‌اندازهای زبانی و فرهنگی دیگری هست و اغلب احساس طبیعی‌تری نسبت به روابط با اروپا و ایالات متحده آمریکا، هر دو.<sup>[9]</sup>

<sup>۱</sup> Hugh MacDiarmid (۱۸۹۲-۱۹۷۸) شاعر اسکاتلندی.

<sup>۲</sup> Thomas Davis

<sup>۳</sup> John Williams (۱۹۲۲-۱۹۹۴) نویسنده، شاعر و رمان‌نویس امریکایی.

ویراستاران کتاب پنگوئن که سیمس هینی برای کاربرد کاملاً انحصاری لفظ «بریتانیا» به آنها اعتراض می‌کرد از نویسندگانی می‌گویند که در مکان‌های بزرگ زندگی می‌کردند. اینان در توصیف احساسات خود از حاشیه‌ای بودن و مقاومت در برابر مرکزیت انگلستان و زبان انگلیسی آن‌گونه که طی قرن‌ها اغلب در متون ادبی رخ نموده است، روشی نسبتاً عجیب و غریب داشتند. همین هینی کسی است که نظری مخالف با چشم‌انداز به‌شدت انگلیسی‌بلیک ماریسون و اندرو موشن ارائه می‌کند، وقتی می‌نویسد:

بریتانیای قیصر و سه بخش آن  
انگلستان یکپارچه، اسکاتلند و ولز  
بریتانیای کبیر، زمین مشترک در افسانه‌های کهن  
ایرلند آخرین توقفگاه سلتی‌ها  
مدت‌ها قبل ایستاد  
در پایان عبرتی صرفاً تاریخی  
زمانی که شاهنشاهی پایان خود را اعلام کرد  
این واژه «بریتانیا»  
همانند شمشیر آرتور  
در عمق روح و جان بومی و غیربومی فروخلید.<sup>[10]</sup>

هینی در «نامه سرگشاده» توجه ما را به اهمیت تاریخ در درک عصر حاضر جلب می‌کند و این یکی از مهم‌ترین تمایزات نویسندگان از این‌سو تا آن‌سوی جزایر بریتانیاست. شعر شاعر ایرلندی جان هیوئیت، «یک ایرلندی در کاوتتری» به هشتصد سال سیه‌روزی اشاره دارد<sup>[11]</sup>، یعنی تاریخ تسلط انگلیس بر ایرلند. تداوم تاریخ در ادبیات ایرلند و اسکاتلند و ولز نشان‌دهنده نگاهی ویژه به تاریخ به‌عنوان روایتی از تلاش جاری برای هویت است، در تقابل آشکار با روایت انگلیسی تاریخ که به‌دنبال افزایش تدریجی تسلط جهانی زبان و ادبیات انگلیس است.

<sup>1</sup> John Hewitt (1907–1978)



#### ۴. اهمیت تاریخ

هر تلاشی در جهت تطبیق آثار ادبی جزایر بریتانیا باید بُعدی تاریخی داشته باشد. تنوعات فرهنگی و زبانی در جزایر بریتانیا را باید با توجه به مرزهای خاص خود در نظر گرفت و مرزهای کنونی زبانی، جغرافیایی یا سیاسی کافی نیست.

تاریخ مرز سیاسی کنونی به زمان برپایی کشور آزاد ایرلند در سال ۱۹۲۲ برمی‌گردد که در سال ۱۹۳۷ به جمهوری ایرلند تبدیل شد. اسکاتلند با به قدرت رسیدن جیمز استوارت<sup>۱</sup> پادشاه اسکاتلند در سال ۱۶۰۳ و به دنبال مرگ ملکه بدون بچه انگلستان، الیزابت اول، به انگلستان ملحق شد و هر امیدی برای بازگشت استوارت، با سرکوب قیام طرفداران جیمز دوم توسط هنورین‌ها<sup>۲</sup> در سال ۱۷۴۵ نقش بر آب شد. الحاق ولز در قرن سیزدهم رخ می‌دهد و پس از چندین قرن جنگ چریکی، با به قدرت رسیدن تیودورها<sup>۳</sup> الحاق آن اعلام می‌شود؛ الحاق به جایی که دست آخر در سال ۱۵۳۶ بریتانیای کبیر می‌شود.

اما نقشه سیاسی نه با نقشه زبانی مطابقت دارد و نه با الگوی گسترده سنت‌های گوناگون ادبی. قرن نوزدهم، عصر جنبش‌های ملی‌گرایانه در اروپا هم برای موقعیت بریتانیا پیامدهایی داشت و هم برای دوباره جان گرفتن علاقه به زبان سلتی در کل. برای مثال آخرین کورنوالی زبان بومی در قرن هجدهم مُرد و علی‌رغم این واقعیت که کورنوال<sup>۴</sup> از نظر حقوقی منطقه‌ای در انگلستان است و هیچ‌گاه مستقل نبوده، به‌عنوان زبانی ادبی در اواخر قرن نوزدهم جان گرفت و بازسازی زبان مُرده سلتی تا امروز ادامه یافت. از سوی دیگر جزیره من هرگز به‌لحاظ اداری به بریتانیای کبیر ملحق نشده و تا حد زیادی مستقل است و نماینده‌ای در مجلس عوام ندارد. زبان آن، مَنکس<sup>۵</sup>، با اینکه به‌عنوان زبانی گفتاری در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ از میان رفته، هم از سخن‌گویان بومی صداهایی ضبط شده و هم از متون نوشتاری پیکره‌ای موجود است.

<sup>۱</sup> James Stuart

<sup>۲</sup> Hanoverians سلسله پادشاهی که از ۱۷۱۴ تا ۱۸۳۷ بر بریتانیا و بعدها بر انگلستان حکومت کردند.

<sup>۳</sup> Tudors خانواده‌ای اشرافی و نجیب‌زاده که در سیاست ولز بسیار تأثیرگذار بودند.

<sup>۴</sup> Cornwall ایالتی در جنوب غربی انگلستان.

<sup>۵</sup> Manx

کورنوالی و منکس هر دو از زبان‌های سلتی‌اند اما در عمل از میان رفته‌اند. در مقابل، ایرلندی و ولزی و گالیک اسکاتلندی به دلیل تأکید مجدد بر هویت ملی از طریق رسانه‌ی زبان حیات دوباره‌ای یافته‌اند. به همین دلیل زمانی که از سورلی مک‌لین<sup>۱</sup> شاعر بزرگ گالیک اسکاتلندی‌زبان قرن بیستم برای جنگ شعر معاصر اسکاتلندی شعری می‌خواهند او شعر «موزه ملی ایرلند»<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) را انتخاب می‌کند:

زیرا سرشار از تاریخ است، سرشار از تاریخ غمبار اسکاتلند و جهان و نیز ایرلند. یک گالیک‌زبان اگر از هر جهت گالیک‌زبان باشد باید ایرلند را هم به اندازه اسکاتلند دوست بدارد.<sup>[12]</sup>

طی قرن گذشته در اینجا هیچ فضایی حتی برای گفت‌وگوی مناسب درباره‌ی تجدید حیات زبان‌های سلتی وجود نداشته اما نکته‌ی مهم قابل تعمق این است که حیات دوباره یافته‌اند و علی‌رغم تسلط زبان انگلیسی، در هر سه زبان ولزی و ایرلندی و گالیک سخن‌گویان فراوان، ادبیاتی پررونق و عمل به سنت وجود دارد. توجه به این نکته نیز ضروری است که تولید متون در زبان‌های سلتی نه تنها از نیاز برای مطالعه‌ی ارزش‌های زیبایی‌شناختی زبان بلکه از موضعی متقابل سرچشمه می‌گیرد. در هر نوع تطبیقی در خصوص متون اگر به این نکته اساسی توجه نشود نمی‌توان به فرجام کار امیدوار بود. بسیار ساده‌انگارانه است گفتن اینکه اگر هنوز در زبان‌های سلتی متن تولید می‌شود ضرورتاً به هویت ملی مرتبط است و شمار نویسندگان توانا در ایرلند، اسکاتلند، ولز و انگلیس یکسره مبین این است که زبان انگلیسی، زبان غالب را می‌توان به طرق گوناگون به کار برد. پیوند با گذشته که در آثار نویسندگان بریتانیایی انگلیسی‌نویس و نویسندگان سلتی به یک اندازه ظهور می‌یابد ضرورتی است که توجه بدان بسیار مهم است. مایکل اولاخلین<sup>۳</sup>، ثمره‌ی دنیای وسایل ارتباط جمعی قرن بیستم، بلافاصله پس از قطع ارتباط با قهرمان اساطیری ایرلند، کوکولاین<sup>۴</sup>، در شعری با همین عنوان تجدید نظر می‌کند و دوباره ارتباط خود را با او از سر می‌گیرد:

<sup>۱</sup> Sorley Maclean (1911-1996)

<sup>۲</sup> The National Museum of Ireland

<sup>۳</sup> Michael O'Loughlin (۱۹۵۸ - ) شاعر و نویسنده ایرلندی.

<sup>۴</sup> Cuchulainn

اگر صدها سال در اینجا زندگی می‌کردم  
هرگز نمی‌توانستم معنی‌ات کنم کوکولاین  
اسم تو متحجر است، درختی سنگواره  
یعنی هیچ چیز، کمتر از هیچ چیز  
اما با تماشای تلویزیون در شبی دیگر  
تو را معنی می‌کنم کوکولاین  
به نظر همچون احساساتی می‌مانی، بازگشته از مرگ  
سیاه و سفید، ساخته شده برای تلویزیون امریکا  
در سریالی علمی-تخیلی.<sup>[13]</sup>

در اینجا نیز نویسنده انگلیسی‌زبان ایرلندی به گذشته، به مرده‌ریگ اساطیری سلتی خود می‌نگرد. جهان اساطیری سلتی در نظر نویسندگان معاصر اهمیت فراوانی دارد زیرا جانشینی برای اساطیر ژرمنی در دنیای انگلوساکسون است. جان مانتینگ<sup>۱</sup>، شاعر ایرلند شمالی در آخرین ابیات شعرش «همانند دلمن‌ها<sup>۲</sup> گرداگرد کودکی‌ام، سالخورده‌گان<sup>۳</sup>» این حس<sup>۴</sup> در ارتباط بودن با گذشته اجدادی را خلاصه می‌کند:

ایرلند کهن! به راستی در بالینت پا گرفته‌ام  
با جادوی مناجات، چشمان اهریمنی و سر نه‌چندان در راه  
خشونت فومورینی<sup>۴</sup> خانواده و عداوت بومی  
چهره‌های تکیده از ترس و مهربانی  
برای سال‌ها شکستن حریم رؤیاهایم را  
تا زمانی در چرخه مستمر سنگ‌ها  
گذشتن سایه‌هاشان را احساس کردم  
در ثبات مرموز آیین‌های کهن.<sup>[14]</sup>

<sup>۱</sup> John Montague (۱۹۲۹- )

<sup>۲</sup> Dolmens طاق‌های پیش از تاریخ متشکل از چند تخته سنگ به‌عنوان ستون و یک تخته سنگ به‌عنوان سقف.

<sup>۳</sup> “Like Dolmens Round My Childhood, The Old People”

<sup>۴</sup> Fomorian: در اسطوره‌شناسی ایرلندی، نژادی نیمه‌الهی که در دوران کهن ساکن ایرلند بوده‌اند.

گذشته‌ای که نویسندگان همچون نورمن مک کیچ<sup>۱</sup> به یاد می‌آورند، نویسندگانی که خود را «بی‌یاور در سرزمین‌های نامطمئن می‌بینند که به قهقرا می‌روند»<sup>[15]</sup>، همانند گذشته‌ای نیست که از وست‌مینستر<sup>۲</sup> به یاد می‌آید؛ نیز همانند گذشته‌ای نیست که به‌طور سنتی در هیئت تاریخ ادبیات انگلیس تدریس می‌شود. در راهنمای ادبیات انگلیس پلیکان<sup>۳</sup> که دانشجویان از دهه ۱۹۵۰ به‌عنوان منبعی معتبر از آن استفاده می‌کنند و شامل چندین جلد جداگانه می‌شود، نویسندگان ایرلندی و اسکاتلندی قاطعانه در بخش ادبیات انگلیس قرار گرفته‌اند. در جلد اول، عصر چاسر<sup>۴</sup>، در فصل «مروری بر شعر قرون وسطی»<sup>۵</sup> جان اسپیرز<sup>۶</sup> بی‌محابا بیان می‌کند که «زنده‌ترین شعرها در قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم تا زمان وایات<sup>۷</sup> در اسکاتلند سروده می‌شود و این ادعا که عاشقانه‌های اسکلتون<sup>۸</sup> هم‌تراز با سروده‌های شاعر اسکاتلندی دانبار<sup>۹</sup> است باورکردنی نیست»<sup>[16]</sup>. اما علی‌رغم چنین تشابهی، در این جلد و جلد‌های دیگر، آثار اسکاتلندی قاطعانه در زمره ادبیات انگلیس به‌شمار می‌آیند.

این البته واقعیتی است که ادبیات انگلیس از جایگاه فوق‌العاده رفیعی در جهان بهره‌مند است. بخشی از این بهره‌مندی را مدیون نویسندگانی خاص است و بخشی را که بیشتر به دوران اخیر برمی‌گردد مدیون آوازه زبان انگلیسی؛ اما در اعطای چنین جایگاهی اگر نگاهمان به گذشته باشد موضع ما لرزان است. اجازه دهید برای پیشرفت بحث، تولیدات ادبی جزایر بریتانیا را در مقاطعی از گذشته به‌طور تطبیقی بررسی کنیم و روشن سازیم که از چه زمانی ادبیات انگلیسی حرکت خود را برای پیش‌تاز شدن در میان ادبیات دیگر نقاط جزایر بریتانیا آغاز کرد.

<sup>۱</sup> Norman MacCaig (۱۹۱۰-۱۹۹۶) شاعر اسکاتلندی.

<sup>۲</sup> Westminster ناحیه‌ای در مرکز لندن.

<sup>۳</sup> *The Pelican Guide to English Literature*

<sup>۴</sup> *The Age of Chaucer*

<sup>۵</sup> *A Survey of Medieval*

<sup>۶</sup> John Speirs نویسنده و نقاد ادبی انگلیسی.

<sup>۷</sup> Sir Thomas Wyatt (۱۵۰۳-۱۵۴۲) غزلسرای انگلیسی.

<sup>۸</sup> John Skelton (۱۴۶۳-۱۵۲۹) شاعر انگلیسی.

<sup>۹</sup> William Dunbar (۱۴۶۰-۱۵۲۰) شاعر اسکاتلندی.

استیلای نورمان‌ها در سال ۱۰۶۶ به نقش ساکسون‌ها و دانمارکی‌ها در انگلستان پایان داد و تأثیر آن تحت‌الشعاع قرار دادن سایر الگوهای تغییر منطقه‌ای در جاهای دیگر بود. برنامه‌های عظیم برای ساختن کاخ و کلیسای جامع و گسترش دیرها در مناطق قبلی ساکسون‌ها داستانی آشناست. آنچه کمتر آشناست زوال تدریجی رو به هرج و مرج در انگلستان است و قدرت نروژی‌ها در بخش‌های شمالی جزایر بریتانیا. درست دو سال قبل از مرگ ویلیام دوم، پسر دوک ویلیام در سال ۱۱۰۰، کسی که نخستین پادشاه نورمان‌های انگلستان شد، ماگنوس<sup>۱</sup> پادشاه نروژ و دانمارک، اورکنی<sup>۲</sup> و هبرید<sup>۳</sup> و جزایر من را تصرف کرده بود. در سال ۱۱۰۳ او به ایرلند تجاوز کرد و این احتمال وجود دارد که جنگ‌های بی‌وقفه با متجاوزان اسکاندیناویایی، کشور را تضعیف کرد و راه را برای استیلای نورمان‌ها در سال ۱۱۶۹ هموار ساخت.

در طی سلطنت استیون (۱۱۳۵-۱۱۵۴)، ویلیام مامزبری نوشت: «انگلستان محل سکونت خارجیان و ملک بیگانگان شد. اکنون دیگر انگلیسی‌ای وجود ندارد که کنت یا اسقف یا راهب بزرگ باشد. بیگانگان ثروت و منابع حیاتی انگلستان را تاراج کرده‌اند. دیگر امیدی به پایان این سیه‌روزی نیست».<sup>[۱۷]</sup> جنگ، تجاوز، تصرف سرزمین، نابودی نظم کهن، تغییرات افراطی در زبان و همه سیه‌روزی‌های توأم با مستعمره‌سازی، معرف شرایط انگلستان در اوایل قرن دوازدهم است. با پایان یافتن نظم کهن همچنین تغییراتی افراطی در انگاره‌های ادبی رخ می‌دهد. تقریباً یک قرن باید از زمان اظهار نارضایتی ویلیام مامزبری می‌گذشت تا شعر دارای تجانس آوایی لازامون<sup>۴</sup> با عنوان بروت<sup>۵</sup> پدید آید؛ شعری که مشخص‌کننده مرحله تازه‌ای در تحول شعر انگلیسی است.

<sup>۱</sup> Magnus پادشاه نروژ از سال ۱۰۳۵ و پادشاه دانمارک از سال ۱۰۴۲ تا هنگام مرگ در ۱۰۴۷.

<sup>۲</sup> Orkney مجمع الجزایری در شمال اسکاتلند.

<sup>۳</sup> Hebrid مجمع الجزایری در ساحل غربی سرزمین اصلی اسکاتلند.

<sup>۴</sup> Lazamon شاعر اواخر قرن دوازدهم و قرن سیزدهم انگلستان، خالق شعر بروت.

<sup>۵</sup> Brut شعر انگلیسی دوران میانه که کشیشی انگلیسی به نام لیامون (Layamon) یا لازامون گردآوری و بازنویسی کرده است.

اگر به وضعیت مجموعه‌ها و تولیدات ادبی جزایر بریتانیا در زمان استیلای نورمان‌ها نگاه کنیم، برخلاف سنت ساکسون‌ها که رو به زوال بود در ولز و ایرلند شاهد رونق شعر شفاهی هستیم. در واقع ماجراهای شاه آرتور بزرگ که در تمام اروپا منتشر شده بود برخاسته از سنت ولزی و بریتنی<sup>۱</sup> بود. مجموعه‌های ایرلندی برای قرن‌ها از افتخارات اروپا بودند. در طی دوران به‌اصطلاح تاریک قرون وسطی عالمان و نجبا در ایرلند گرد آمدند تا از مدارس ایرلند حداکثر استفاده را ببرند. ونه‌رابل بید<sup>۲</sup> اشاره می‌کند که پژوهش درباره انگلوساکسون‌ها در ایرلند و در قرن هفدهم به آموزش رایگان انجامید. آن قدر وضعیت آموزش در مؤسسات ایرلند پیشرفته بود که گفته می‌شود باعث شد دوران نوزایی در اروپا چندین قرن جلو بیفتد:

مرگ سنت کهن، با تمام نموده‌هایش در اروپا، برای جزایر مقدسین رونق را به ارمغان آورد و دوران نوزایی ۷۰۰ سال قبل از اینکه در ایتالیا شناخته شود در ایرلند آغاز شد. طی سه قرن ایرلند مأمَن آموزش عالی‌ای بود که برای دور بودن از کشورهای بی‌فرهنگ اروپا در آنجا مأوا گرفته بود.<sup>[18]</sup>

دوشادوش سنت مسیحی البته، اسطوره‌شناسی‌ای فوق‌العاده غنی در سنت شاعرانه به‌جا مانده بود، همان‌گونه که در ولز هم مصداق پیدا می‌کرد. در اواسط قرن دوازدهم کتاب بزرگ لِنِستر<sup>۳</sup>، مجموعه عظیمی از افسانه‌های کهن ایرلند تألیف شد؛ اما تجاوز انگلونورمان‌ها به‌نحوی مؤثر نَفَسِ زندگی فرهنگی ایرلند را گرفت. مراکز بزرگ آموزش ویران شد و دوره طولانی جنگی پایدار آغاز شد؛ جنگی که داگلاس هاید<sup>۴</sup> درباره آن می‌گوید «از همان آغاز به‌طور کامل مانع پیشرفت ایرلند شد و زندگی ایرلندی را متلاشی کرد».<sup>[19]</sup>

<sup>۱</sup> Breton زبان سلتی که در برتانی (Brithany) بدان صحبت می‌شد.

<sup>۲</sup> Venerable Bede (۶۷۲-۷۳۵) راهب انگلیسی.

<sup>۳</sup> مجموعه عظیم تبارشناسی که دوب هالتاج مک‌فیر بیسیگ (Dubhaltach MacFhirbhisigh) بیشتر آن را بین سال‌های ۱۶۴۹ و ۱۶۵۰ در کالج هاوس کلیسای نیکلاس قدیس نوشت و تا سال ۱۶۶۶ به نوشتن آن ادامه داد. در سال ۲۰۰۴ در پنج جلد با عنوان کتاب بزرگ تبارشناسی ایرلند (*The Great Book of Irish Genealogies*) در دوبلین منتشر شد.

<sup>۴</sup> Douglas Hyde (۱۸۶۰-۱۹۴۹) متخصص در حوزه زبان ایرلندی و نخستین رئیس‌جمهور ایرلند از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۵.

چهار قرن بعد، شمای تطبیقی تولیدات ادبی به کلی تغییر می‌کند. با اینکه دوران نوزایی در قاره اروپا آغاز شد، ورود آن به انگلستان به دلیل تأثیرات جنگ‌های داخلی طولانی مدت با تأخیر صورت گرفت. در ایرلند سنت شاعرانه غالب بود اما جنگ‌های استعماری تلفات خود را گرفته بود و حاکمان می‌کوشیدند آنچه را که در نظرشان عمل مخرب بود سرکوب کنند. در قرن شانزدهم فرمان الیزابت بدین قرار است:

برای آن دسته از شاعرانی که با ترانه‌ها یا قافیه‌های خود نجبا و اشراف ایرلند را به تمجید و ستایش از بی‌عدالتی‌هایی نظیر اخاذی، شورش، تجاوز به عنف، سرکشی و فساد و جز این‌ها وامی‌دارند و به جای آنکه آنها را از این امور بازدارند به این امور تشویق می‌کنند و برای گفتن چنین ترانه‌ها و قوافی، از همین نجبا و اشراف جوایزی می‌گیرند، [اجازه دهید] برای پایان دادن به چنین عمل فجیعی فرمان‌های ما جاری شود.<sup>[20]</sup>

مجازات قافیه‌پردازی مخرب مرگ بود.

دوران نوزایی در اسکاتلند همپای گسترش آن در جاهای دیگر اروپاست و نیمه دوم قرن چهاردهم به لحاظ غنای ادبی یکی از بزرگ‌ترین دوران‌ها در تاریخ اسکاتلند است. در میان چهره‌های برجسته این عصر می‌توان از جیمز اول پادشاه جوان (۱۳۹۴-۱۴۳۷)، رابرت هنریسون<sup>۱</sup> (۱۴۲۵-۱۵۰۵)، ویلیام دانبار (۱۴۶۰-۱۵۲۰)، گوین داگلاس<sup>۲</sup> (۱۴۷۵-۱۵۲۲) و سیر دیوید لیندزی<sup>۳</sup> (۱۴۹۰-۱۵۵۵) نام برد. در این زمان مقدار قابل توجهی آثار ترجمه‌ای نیز در اسکاتلند وجود داشت و اشعار بی‌شماری در عصر معروف به عصر طلایی در ادبیات اسکاتلند پدید آمد که در همان زمان در تقابل آشکار با قلت آثار پدیدآمده در انگلستان بود. افزون بر این، شکاف میان دو ملت به نحوی پرناسدنی عمیق می‌نمود. *اظهارنامه اسکاتلند*<sup>۴</sup> که در سال ۱۵۴۹ منتشر شد صریحاً بیان می‌کند:

در زیر چرخ گردون انگلیسی‌ها هستند و اسکاتلندی‌ها؛ دو کشور که از دیگر کشورها متمایزند و در تقابل؛ با اینکه در یک جزیره‌اند و همسایه و دارای یک زبان.<sup>[21]</sup>

<sup>۱</sup> Robert Henryson شاعر اسکاتلندی.

<sup>۲</sup> Gavin Douglas آسقف اسکاتلندی.

<sup>۳</sup> Sir David Lindsay مبشر و شاعر اسکاتلندی.

<sup>۴</sup> *The Complaynt of Scotland*

نویسنده اظهارنامه، سیاست‌های زبانی هم در دستور کار خود دارد:

فکر می‌کنم به آراستن این کلام با الحان زیبا نیازی نیست. اگرچه در این کلام جایی برای کاربرد متداول زبان نیست من ترجیح می‌دهم زبان اسکاتلندی بومی را به کار ببرم که بیشتر برای مردم عامی مناسب است.<sup>[22]</sup>

اتحاد کامل سیاسی میان انگلستان و ولز در سال ۱۵۳۶ روی داد؛ زمانی که قوانین ولز لغو شد و مجلس در لندن مسئول قانون‌گذاری برای ولز نیز شد. سنت شاعری رو به افول بود و اتحاد کامل سیاسی این افول را تسریع کرد. همان‌گونه که تامس پری<sup>۱</sup> در تاریخ نوآورانه خود، تاریخ ادبیات ولز اشاره می‌کند ترکیب اتحاد سیاسی و نهضت اصلاح پروتستان جهشی رو به جلو در ادبیات متثور ولز پدید آورد. این جهش رو به جلو آن‌چنان که اغلب در زمان‌های انتقال فرهنگی صورت می‌گیرد از طریق ترجمه صورت گرفت. در اواخر قرن شانزدهم کتاب مقدس به ولزی ترجمه شد. پری این ترجمه را مایه رستگاری زبان ادبی ولز در نظر می‌گیرد:

زمانی که سرانجام طبقه مرفه باید انگلیسی می‌شدند و شاعران جدی خاموشی می‌گزیدند کسی نمی‌ماند که ولزی ناب را بداند؛ زبانی که زمانی مرده‌ریگ مشترک تمام ولز بود. در این زمان کتاب مقدس ترجمه شد، درست به موقع؛ زمانی که زبان ناب هنوز زنده بود؛ زمانی که کشیشان ولزی آن طور که باید و شاید استاد این زبان بودند و می‌توانستند به‌نحو شایسته‌ای آن را به کار ببرند.<sup>[23]</sup>

پری احساس می‌کند کتاب مقدس برای ولز، کشوری بی‌دانشگاه و بدون هر نوع نهاد فرهنگی، زبان ولزی استاندارد را به ارمغان آورد؛ زبانی ادبی که می‌توانست به‌عنوان هسته اصلی به کار رود.

دوران نوزایی در انگلستان دیرتر از اسکاتلند آغاز شد و با شروع عصر اکتشاف و گسترش استعمار انگلیس مصادف بود. از قرن هفدهم به این سو بر اثر انقلاب انگلیس و دوران بازگشت، اشتیاق به ترجمه بالا گرفت و متون بی‌شماری را به انگلیسی ترجمه کردند. شمار زیادی از کشتی‌های دریانوردی بردگان را از این سو به آن‌سوی آتلانتیک می‌بردند و مهاجران را به مستعمرات و در بازگشت، کالاها و اجناس را به بندرهای

<sup>۱</sup> Sir Thomas Parry (۱۹۰۴-۱۹۸۵) نویسنده ولزی و استاد دانشگاه.



انگلستان می‌آوردند. اختلاف دینی باعث داغ شدن آتش جنگ‌های چریکی می‌شد و با سببیت هرچه بیشتر در ایرلند و اسکاتلند ادامه می‌یافت. در پایان قرن هجدهم و با شروع عصر رمانتیسم، دوره دیگری از توسعه چشمگیر ادبی در انگلستان، اوضاع در تمام جزایر بریتانیا دوباره به کلی تغییر کرد.

انتقام ددمشانه در پی شورش ۱۷۴۵ استوارتِ عقیم و متعاقب آن سیاست کاهش جمعیت در مناطق کوهستانی اسکاتلند، زبان سلتی را به ورطه نابودی کشاند. فقر فلاکت‌بار عمدتاً روستاییان در اسکاتلند و ایرلند، میلیون‌ها نفر را که در جست‌وجوی زندگی بهتر بودند به مهاجرت واداشت. افزون بر این، تغییر ساختار طبقه، طبقه‌ای از مالکان انگلیسی‌زبان را در هر دو کشور به وجود آورده بود که زبان‌های سلتی را حقیر می‌شمردند و سخن‌گویان آنها را تحقیر می‌کردند. مایکل کلی<sup>۱</sup>، خواننده و آهنگساز نقل می‌کند که چطور در ملاقاتی با امپراتور آلمان در شونبرون<sup>۲</sup> و در حضور برخی افسران ایرلندی زمانی که یکی از این افسران به ایرلندی با او صحبت می‌کند نتوانسته جواب دهد و خاموش مانده است:

امپراتور سریع به طرف من برگشت و گفت: عجب! اُ کلی! تو به زبان کشورت حرف نمی‌زنی؟ پاسخ دادم: «تقاضا می‌کنم اعلی‌حضرت! تنها طبقات پایین در ایرلند ایرلندی صحبت می‌کنند.» امپراتور بلند خندید. یک لحظه نامناسب بودن این جواب آن‌هم در مقابل دو سرلشگر میله‌زیانی<sup>۳</sup> به ذهنم خطور کرد. جلو زبان خود را گرفتم. خوشبختانه یا نشنیدند یا خود را به نشنیدن زدند.<sup>[24]</sup>

علی‌رغم تلاش‌ها برای خاموش کردن گالیک اسکاتلندی و ایرلندی هر دو زبان همانند ایرلندی باقی ماندند. در طول قرن نوزدهم، متعاقب انقلاب فرانسه، در سرتاسر اروپا بر اثر پدید آمدن عقاید انقلابی اهمیت این زبان‌ها افزایش یافت؛ اما با پایان یافتن قرن هجدهم مشترکات فرهنگی میان دوبلین، ادینبورگ و لندن از مفهوم تقابل دوگانه میان نظام‌های زبانی ژرمنی و سلتی فراتر رفت. مادامی که دهقانان در پس‌کرانه<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Michael Kelly (۱۷۶۲-۱۸۲۶) خواننده، آهنگساز و مدیر تئاتر ایرلندی.

<sup>۲</sup> Schoenbrunn شهرداری در بادن وورتن‌برگ آلمان.

<sup>۳</sup> Milesian سلتی‌هایی که از شبه جزیره ایبری (Ibria) آمده بودند.

<sup>۴</sup> hinterland

روستایی گالیک‌زبان از گرسنگی می‌مردند امکان تشخیص روشنفکر مآبان انگلویرلندی به وجود آمده بود و در اسکاتلند، همان‌گونه که نیکولاس فیلیپسون<sup>۱</sup> در کتاب خود در موضوع روشنفکری در شرایط ملی اشاره می‌کند:

در دهه ۱۷۶۰، اسکاتلند مرکز یادگیری و معرفت، با اعتبار جهانی شده بود... معرفت اسکاتلندی ناظر بر تاریخ دیوید هیوم<sup>۲</sup> و ویلیام رابرتسون<sup>۳</sup>، اشعار اوسین<sup>۴</sup>، رمان‌های فلسفی توبایس اسمالت<sup>۵</sup> و هنری مکنزی<sup>۶</sup>، مقاله‌های ادبی، اخلاقی و فلسفی هیوم و آینه و صندلی راحتی<sup>۷</sup> مکنزی بود و در اوایل قرن نوزدهم ناظر بر تاریخ رابرت برنز<sup>۸</sup> و سر والتر اسکات<sup>۹</sup> و روزنامه‌نگاری ادبی و سیاسی فرانسیس جفری<sup>۱۰</sup> در ادینبورگ ریویو<sup>۱۱</sup>. در کلاس‌های دانشگاه‌های آلمان، فرانسه و آمریکا معرفت اسکاتلندی ناظر بر رساله‌های فلسفی آدم اسمیت<sup>۱۲</sup>، آلن فرگسن<sup>۱۳</sup>، تامس رید<sup>۱۴</sup>، جیمز بیٹی<sup>۱۵</sup>، و دوگلد استوارت<sup>۱۶</sup>؛ نوشته‌های لرد کیمز<sup>۱۷</sup> و هیو بلر<sup>۱۸</sup> درباره زیبایی‌شناسی و متون درسی پزشکی در دانشگاه ادینبورگ بود.<sup>[25]</sup>

<sup>۱</sup> Nicholas Phillipson انگلیسی، پژوهشگر افتخاری تاریخ در دانشگاه ادینبرو، استاد دانشگاه از ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۴، پدیدآورنده مقالات بسیار و کتاب‌هایی چند درباره روشنفکری در اسکاتلند.

<sup>۲</sup> David Hume (۱۷۱۱-۱۷۷۶) تاریخ‌دان، فیلسوف، اقتصاددان و مقاله‌نویس اسکاتلندی.

<sup>۳</sup> William Robertson (۱۷۲۱-۱۷۹۳) تاریخ‌دان اسکاتلندی.

<sup>۴</sup> Ossian

<sup>۵</sup> Tobias Smollett (۱۷۲۱-۱۷۷۱) شاعر و نویسنده اسکاتلندی.

<sup>۶</sup> Henry Mackenzie (۱۷۴۵-۱۸۳۱) شاعر و ترانه‌سرای اسکاتلندی.

<sup>۷</sup> *Mirror and Launger*

<sup>۸</sup> Robert Burns (۱۷۵۹-۱۷۹۶) شاعر و نمایشنامه‌نویس و رمان‌نویس اسکاتلندی.

<sup>۹</sup> Sir Walter Scott (۱۷۷۱-۱۸۳۲) شاعر و نمایشنامه‌نویس و رمان‌تاریخی‌نویس اسکاتلندی.

<sup>۱۰</sup> Francis Jeffrey (۱۷۷۳-۱۸۵۰) نقاد ادبی و قاضی اسکاتلندی.

<sup>۱۱</sup> Edinburgh Review

<sup>۱۲</sup> Adam Smith (۱۷۲۳-۱۷۹۰) اسکاتلندی، فیلسوف اخلاق، پیشگام در اقتصاد سیاسی و روشنفکری.

<sup>۱۳</sup> Alan Ferguson (۱۷۲۳-۱۸۱۶) فیلسوف و تاریخ‌دان و روشنفکر اسکاتلندی.

<sup>۱۴</sup> Thomas Reid (۱۷۱۰-۱۷۹۶) فیلسوف تعلیمات مذهبی و روشنفکر اسکاتلندی.

<sup>۱۵</sup> James Beattie (۱۷۳۵-۱۸۰۳) فیلسوف و معلم اخلاق و شاعر اسکاتلندی.

<sup>۱۶</sup> Dugald Stewart (۱۷۳۵-۱۸۲۸) ریاضی‌دان و فیلسوف روشنفکر اسکاتلندی.

<sup>۱۷</sup> Lord Kames (۱۶۹۶-۱۷۸۲) وکیل مدافع، نویسنده و فیلسوف اسکاتلندی.

<sup>۱۸</sup> Hugh Blair (۱۷۱۸-۱۸۰۰) روحانی و نویسنده و سخنور اسکاتلندی.

به این‌ها می‌توانیم اثر نوآورانه‌ی الگزاندر فریزر تایتler<sup>۱</sup>، نخستین بررسی نظری اصول ترجمه را نیز اضافه کنیم که در سال ۱۷۹۱ منتشر شد.

از این مرور سریع تاریخ بر فراز قرون چه نتیجه‌ای می‌توانیم بگیریم؟ اول اینکه تفوق زبان و ادبیات انگلیسی نسبتاً پدیده‌ی نوظهوری است، با پیدایش طبقات تاجرمآب در اواخر قرن‌های هفده و هجده و همزمان، افزایش دامنه‌ی مستعمرات در ماورای دریاها. دوم اینکه گسترش زبان انگلیسی در فرهنگ‌های سلتی جزایر بریتانیا با سیاست عمدی تبعیض زبانی‌ای مشخص می‌شود که به دنبال سرکوب زبان‌هایی است که نمادهای فرهنگی تقابل و ضدیت با قوانین انگلیس شناخته می‌شوند. سوم اینکه جای تعجب نیست که شرایط پیش‌آمده، یعنی شیوع تازه‌ی ملی‌گرایی در اروپای قرن هجدهم و تشدید آن با دو انقلاب امریکا و فرانسه، بر نویسندگان و روشنفکران ولزی و اسکاتلندی و ایرلندی تأثیر بگذارد و علاقه به زبان‌ها و سنت سلتی را از نو زنده کند.

باید به خاطر داشت که برای مثال برخلاف احیای زبان چکی توافقی در به‌کارگیری زبان ملی نبود زیرا هم دهقانانی که به زبان‌های ولزی و گالیک و ایرلندی سخن می‌گفتند و هم طبقه‌ی روشنفکران که از گونه‌های زبان انگلیسی در گفتار خود استفاده می‌کردند، زبان‌های سلتی را سرکوب می‌کردند. این بدین معنی است که اگرچه جریان فرهنگ عامه در قرن نوزدهم آگاهانه در جست‌وجوی سخن‌گویان بومی‌زبان به‌عنوان حافظان سنت شاعری کهن بود، اکثر فلاسفه، تاریخ‌دانان، رمان‌نویسان و اقتصاددانان ایرلندی و اسکاتلندی آثار خود را به انگلیسی می‌نوشتند و چاپ می‌کردند.

همان‌گونه که شون لوسی<sup>۲</sup> ویراستار نسخه‌ای از کتاب شاعران ایرلندی در ادبیات انگلیس می‌گوید در تلاش برای تعریف شعر انگلوا ایرلندی هنوز «از یک سو ارتباط پیچیده و در حال توسعه میان دو سنت، دو فرهنگ و دو زبان وجود دارد و از سویی دیگر این تاریخ یک جست‌وجوست؛ بخشی از جست‌وجوی یک ایرلندی انگلیسی‌زبان برای هویت، شکلی تازه به زبان انگلیسی دادن برای بیان تجربه‌ی ایرلندی».<sup>[26]</sup> در هر

<sup>۱</sup> Alexander Fraser Tytler (۱۷۴۷-۱۸۱۳) وکیل، تاریخ‌دان و نویسنده اسکاتلندی.

<sup>۲</sup> Sean Lucy تاریخ‌دان ایرلندی، استاد دانشگاه بلفاست.

لحظه از زمان وقتی جزایر بریتانیا را بررسی می‌کنیم تنها کشیدن نقشه‌هایی که نشان‌دهنده توزیع زبان‌ها باشد کافی نیست و توجه به عواملی دیگر نیز ضروری است؛ عواملی چون ارتباط میان جوامع شهری و روستایی، تغییرات در نظام آموزشی و تأثیر چنین تغییراتی بر الگوهای طبقاتی و دگرگونی‌های عظیم در عقاید مذهبی و اعمالی که بسیار سرنوشت‌ساز بوده و خواهد بود و تنها درک اینکه هرکدام از کشورهای تشکیل‌دهنده جزایر بریتانیا پیوستار فرهنگی-اجتماعی یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند به هیچ وجه کافی نیست و باید دید تا چه اندازه تفکر انتقادی حقیقتاً به دنبال تعمیم‌های جهانی شده‌ای بوده که در خصوص ادبیات «امریکای لاتین» و «افریقا» مصداق یافته است. موفق نبودن پژوهشگران ادبیات تطبیقی در بررسی شکل‌گیری سنت‌های گوناگون ادبی در بافت تاریخی مناسب در جزایر بریتانیا، یادآور تتمه مرده‌ریگ نامیمون صورت‌گرایی در موضوعی است که تلاش کرده است خود را نوآورانه و فرافرهنگی نشان دهد. بازاندیشی‌های فراوان در خصوص آوارگی ملت سلت و افزایش تدریجی مطالعات ایرلندی و اسکاتلندی در طول دهه ۱۹۸۰ شاهدی بر این جریان است. ارتباط میان این آوارگی و جریان غلبه انگلیس هنوز باقی می‌ماند که باید به‌درستی بررسی شود و همان‌گونه که شون ریچاردز<sup>۱</sup> عنوان می‌کند:

ارتباط انگلستان و ایرلند، مستعمره‌کننده و مستعمره‌شده، در مجمع‌الجزایر کوچک اروپای غربی باید دوباره بررسی شود و هنر و فرهنگ در همه ابعاد و در هر سطحی از پیچیدگی باید برای به دست دادن گفتمانی مشترک کاویده شود تا جرقه‌ای باشد برای روشن شدن تفکری خاموش‌نشده.<sup>[27]</sup>

## ۵. اقلیم‌گرایی و اقلیم‌گریزی

طبق نظر زیکبرت پراور<sup>۲</sup> بلندپروازانه‌ترین نوع مطالعه تطبیقی ادبیات «نوعی است که در پی تعریف و تطبیق سنت‌های گوناگون ملی باشد».<sup>[28]</sup> این می‌تواند خوب باشد به شرط اینکه تعریف ارائه‌شده واقعاً تعریف سنت‌های ملی باشد و تطبیق‌گر به دام

<sup>۱</sup> Sean Richards ایرلندشناس انگلیسی، استاد علوم اجتماعی و علوم انسانی در دانشگاه استنفوردشایر.

<sup>۲</sup> Siegbert Praver (۱۹۲۵-۲۰۱۲) استاد ممتاز زبان و ادبیات آلمانی در دانشگاه آکسفورد.

تعمیم‌هایی نیفتاده باشد که براساس قالب‌های ساخته‌شده فرهنگی شکل گرفته باشد. پراور برخی از نخستین تلاش‌ها برای تعریف مشخصه‌های ملی را از نظر می‌گذرانند تا «روح» یک ملت را آن‌گونه که در زبان و ادبیات آن منعکس می‌شود بنمایاند و آنچه از تلاش او آشکار می‌شود نبود هرگونه نظریه منسجمی در خصوص انتقال فرهنگی است. این نبود نظریه در بسیاری از مطالعات تطبیقی ادبیات زمانی حساسیتی خاص می‌یابد که دریابیم مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درگیر (یا غیردرگیر) در انتقال متون از فرهنگی به فرهنگی دیگر اساس کار است. این همان چیزی است که در خصوص تطبیق آثار ادبی در جزایر بریتانیا هم مصداق دارد. قبل از مواجهه با سلطه زبان انگلیسی و با شروع این مواجهه است که انواع مسائل مربوط به فرهنگ‌های اقلیت و اکثریت رخ می‌نماید. مسائلی که پی‌یر بوردیو<sup>۱</sup> در مقاله «تناقض‌گویی جامعه‌شناس»<sup>۲</sup> عنوان می‌کند در اینجا نیز کاربرد دارد، زیرا وقتی از فرهنگی به فرهنگی دیگر نظر می‌کنیم به‌طور قطع نظام‌های گوناگونی برای طبقه‌بندی وجود دارند:

یکی از مشکلات اساسی که در نظریه درک جهان اجتماعی طرح می‌شود مشکل ارتباط میان دانش ذاتی و اکتسابی است. عمل ساختن، عملی ذاتی است یا اکتسابی؟ آیا در عمل ذاتی مقوله‌های درکی هم هست و این مقوله‌ها از کجا حاصل می‌شوند و ارتباط میان مقوله‌هایی که دانشمندان ارائه می‌کنند با آنهایی که عاملان عادی<sup>۳</sup> ارائه می‌کنند چیست؟<sup>[29]</sup>

پتربیک گوانا<sup>۴</sup> (۱۹۰۴-۱۹۶۷) شاعر بزرگ ایرلندی درباره بهره‌گیری نویسندگان از افسانه‌های ملی و درباره شکاف میان تجربه زنده و عادی و ساختن افسانه ملی توضیح می‌دهد. «آیا صدای سینگ<sup>۵</sup>، صدای ایرلند است؟» او می‌پرسد «آیا ایرلند صدایی دارد؟»<sup>[30]</sup> او در پرسش از معنای افسانه ملی، نظریه خود را درباره اقلیم‌گرایی و اقلیم‌گریزی مطرح می‌کند؛ تمایزی تعیین‌کننده که راه دیگری را برای درک تولیدات ادبی جزایر بریتانیا می‌گشاید:

<sup>۱</sup> Pierre Bourdieu (۱۹۳۰-۲۰۰۲) جامعه‌شناس، انسان‌شناس و فیلسوف روشنفکر فرانسوی.

<sup>۲</sup> *Le Paradoxe du Sociologue*

<sup>۳</sup> Ordinary agents

<sup>۴</sup> Patrick Kavanagh

<sup>۵</sup> Edmund John Milington Synge (۱۸۷۱-۱۹۰۹) شاعر ایرلندی، نمایشنامه‌نویس و جمع‌آوری‌کننده ادبیات عامه.

اقلیم‌گرایی و اقلیم‌گریزی متضاد یکدیگرند. اقلیم‌گریز قدرت تفکری از خود ندارد؛ به آنچه چشمانش می‌بیند اعتماد نمی‌کند و چشم به دهان غیربومی می‌دوزد تا ببیند او در هر زمینه‌ای چه می‌گوید. این در خصوص همه فعالیت‌ها صادق است.

از سوی دیگر ذهنیت اقلیم‌گرا نسبت به ارزش‌های هنری و اجتماعی مردم اقلیم خود هیچ‌گونه شکی ندارد... در ایرلند ما تمایل به اقلیم‌گریزی داریم تا اقلیم‌گرایی، چراکه اقلیم‌گرایی به جسارت بسیار نیاز دارد. زمانی که تلاش می‌کنیم جسارت داشته باشیم راه را اشتباه می‌رویم و تملق غیربومیان آن‌سوی دریای ایرلند را می‌گوییم. در دوران متأخر ما دو ایرلندی، جیمز جویس و جورج مور<sup>۱</sup> را داشته‌ایم. آنها هیچ‌چیزی را روشن نکرده‌اند. جماعت یا با آنها می‌آیند یا در تاریکی می‌مانند... اقلیم‌گرایی تفکری جهانی است؛ با مبانی سروکار دارد.<sup>[31]</sup>

تمایزی که کوانا میان اقلیم‌گرا و اقلیم‌گریز می‌گذارد بسیار مهم است. در جایی که او این اصطلاحات را به کار می‌برد دو نویسنده ایرلندی را برای اقلیم‌گرایی‌شان ملامت می‌کند و بدین طریق نشان می‌دهد که یا باید از الگوهای غالب (الگوهای انگلیسی) پیروی کرد یا نسبت به آنها واکنش نشان داد. او همچنین به ارتباط سلسله‌مراتبی میان «مرکز» با درجه اهمیت اولیه و «حومه» با درجه اهمیت ثانویه اشاره می‌کند و با طرح موضوع جهانی‌بودن اقلیم‌گرایی به نحوی مؤثر این سلسله‌مراتب را در هم می‌شکند.

با برپا کردن مجموعه‌ای از معیارها و تمرکز بر انواع خاص آن و نه عام آن، چه زیبایی‌شناختی باشند چه اجتماعی و در چهارچوب اقلیم‌گرایی، نویسنده می‌تواند خوانندگان را به سوی دنیای خود بکشد. بدین نحو است که برای مثال جکی کی<sup>۲</sup>، شاعر رنگین‌پوست اسکاتلندی در مجموعه خود، نوشته‌های منتخب و تندباد شدید<sup>۳</sup> ۱ به سال ۱۹۹۱، دنیای اقلیم‌گرای دختر نوجوان شمالی دهه هزار و نهصد و نودی‌ای را می‌سازد که میان مجموعه‌ای متناقض از توقعات و قراردادهای اجتماعی گیر می‌افتد و خواهی نخواهی ما را به سوی آن دنیا می‌کشاند:

من از خاطره‌ها حرفی نمی‌زنم. حتی خاطره‌ها  
به دردم می‌انجامد. به‌ویژه خاطره‌ها.

<sup>۱</sup> George Moore (۱۸۵۲-۱۹۳۳) شاعر، منتقد، نویسنده داستان کوتاه و رمان‌نویس ایرلندی.

<sup>۲</sup> Jackie Kay (۱۹۶۱- )

<sup>۳</sup> *The Adoption Papers and Severe Gale 8*

کدام مدرسه. چه خانه‌ای. کدام دوست.

در دنیاها گوناگونی بزرگ می‌شویم:

او با گوشت قیمه‌شده و سیب‌زمینی‌ها، نم‌باران و پشم‌ریزه‌ها  
من با ذرت‌ها، توفان‌های تندری و سرمای سخت.<sup>[32]</sup>

در شعر شورانگیز جکی کی سرشت‌هایی از بافت شهری به تصویر کشیده می‌شود.  
هیو مک‌درمید تمایز اقلیم‌گرایی و اقلیم‌گزیزی را با اصطلاحات تصورات خودی و  
دیگری از محیط طبیعی بیان می‌کند، زمانی که می‌نویسد:

اسکاتلند کوچک؟ اسکاتلند چند چهره ما، کوچک اسکاتلند بی‌کران ما؟

تنها به‌عنوان تکه‌ای از دامنه تپه ممکن است گوشه خاصی باشی

نزد احمقی که گریه می‌کند «تنها خلنگ جارو!»<sup>۱</sup> اما نه در سپتامبر

نشسته آنجا به استراحت و خیره به اطراف

می‌بینی نه تنها خلنگ جارو را که قره‌قات<sup>۲</sup>‌ها را نیز

با برگ‌های سبز درخشان و برگ‌هایی که به این زودی به قرمز روشن خواهند زد

قره‌قات‌های رسیده پنهان؛ و میان برگ‌های سبز مریم‌گلی

از مورد<sup>۳</sup> با تالاق گل‌های طلایی با درخشش آزاردهنده.<sup>[23]</sup>

هر دو نویسنده اگرچه به طریقی کاملاً متفاوت، نماینده اقلیم‌گرایی اسکاتلندی‌اند،  
زیرا هر دو از منظر خود درباره آن چیزی می‌نویسند که گوانا «مبانی» می‌نامد. در واقع  
اگر ما به طیف نویسندگانی نگاه کنیم که هم‌اکنون و در جزایر بریتانیا قلم می‌زنند تمایز  
میان اقلیم‌گرایی و اقلیم‌گزیزی موضوع خوبی برای تطبیق به دست می‌دهد. برای مثال،  
جفری هیل<sup>۴</sup> که برای شروع، بومیان رنگین‌پوست کشورش را به‌عنوان موضوع  
برمی‌گزیند و تونی هریسون<sup>۵</sup> شاعر شمالی و مترجم، هر دو شاعران انگلیسی هستند که

<sup>۱</sup> نوعی گیاه

<sup>۲</sup> نوعی گیاه

<sup>۳</sup> نوعی گیاه

<sup>۴</sup> Geoffrey Hill (۱۹۳۲- ) شاعر انگلیسی و استاد ممتاز در ادبیات انگلیسی.

<sup>۵</sup> Tony Harrison (۱۹۳۷- ) شاعر و مترجم و نمایشنامه‌نویس انگلیسی.



می‌توان آنها را از همین منظر با نویسندگان ایرلندی و اسکاتلندی تطبیق کرد و چه‌بسا چنین تطبیقی مفیدتر از تطبیق بر پایه تمایزات «ملی» باشد.

## ۶. تطبیق الفاظ بریتانیا

ادبیاتی را که نویسندگان جزایر بریتانیا می‌آفرینند نمی‌توان بدون درک مشکلات ناشی از لفظ «بریتانیایی بودن» تطبیق کرد و نیز بدون در نظر گرفتن معانی لفظ «بریتانیایی» در مقاطعی از گذشته، نمی‌توان به مشکلات ناشی از کاربرد آن پی برد. تسلط لفظ انگلیسی، به‌عنوان زبان، به‌عنوان ادبیات و به‌عنوان نظامی سیاسی به‌دلیل نادیده گرفته شدن شمار بسیاری از نوشته‌های اعجاب‌انگیز سایر سرزمین‌ها در جزایر بریتانیاست. آن‌چنان انگلستان قدرت یافته است که بسیاری از دانش‌آموزانی که انگلیسی یاد می‌گیرند به لفظ بریتانیا به‌عنوان مترادفی برای لفظ انگلستان نگاه می‌کنند و حتی لفظ لندن را مترادفی برای انگلستان در نظر می‌گیرند. از الفاظ «ادبیات انگلیس» یا «مطالعات انگلیسی» به‌طور فراگیری استفاده می‌شود به‌نحوی که نویسندگان ولزی، اسکاتلندی، ایرلند شمالی‌ای و ایرلندی بدون اشاره به خاستگاه و سنت‌های ادبی گوناگونشان پیوسته در برنامه‌ها و واحدهای درسی ادبیات انگلیس جای می‌گیرند. این نوع گرایش از یک سو تا حدود زیادی حاصل نبود پژوهش‌های تطبیقی آثار در جزایر بریتانیاست و از سوی دیگر حاصل مشکلات ناشی از برنامه‌های سیاسی پنهان. گوانا ممکن است مدعی شود که جوینس نویسنده‌ای ایرلندی و اقلیم‌گرایی واقعی است، اما در بسیاری از واحدهای درسی ادبیات انگلیسی جوینس را در کنار دی اچ لارنس<sup>۱</sup> و ویرجینیا وولف<sup>۲</sup>، نویسنده‌ای در حوزه ادبیات مدرن انگلیس به حساب می‌آورند. تصدیق موجودیت ادبیات ایرلند، تضعیف چندین و چند درجه‌ای ادبیات انگلیس خواهد بود. امروز با استفاده از نظریه پسااستعماری در حال تکوین و ابزار روش‌شناختی نقد جنسیت محور<sup>۳</sup> (پژوهش‌های فرهنگی متخصصی همچون ریچارد جانسون<sup>۴</sup> یا منتقدی

<sup>۱</sup> D. H. Lawrence (۱۸۸۵-۱۹۳۰) رمان‌نویس، شاعر، نمایشنامه‌نویس، نقاش و منتقد ادبی انگلیسی.

<sup>۲</sup> Virginia Woolf (۱۸۸۲-۱۹۴۱) نویسنده انگلیسی.

<sup>۳</sup> gender-based criticism

<sup>۴</sup> Richard Johnson استاد انگلیسی تاریخ اجتماعی و مطالعات فرهنگی در دانشگاه برمنگام.



چون تری ایگلتون<sup>۱</sup> در حوزه نقد مارکسیستی که هر دو به دلیل نقشی که آثار فمینیستی در محوریت دادن به انسان و پایان دادن به افسانه عینیت در دانش ادبی ایفا کرده‌اند، خود را وامدار این آثار می‌دانند)، فکر کردن درباره تطبیق آثار ادبی جزایر بریتانیا بدون متوسل شدن به شیوه‌های خاص و تبعیض آمیز ممکن شده است. برای پژوهشی تطبیق‌بنیاد افزون بر شعر معاصر که حوزه‌ای بسیار غنی است توجه به شیوه‌های گوناگون ارائه تجربه مشترک حاصل از تقسیم شهر و روستا و اهمیت مکان هم به لحاظ ادبی و هم به لحاظ تاریخی و اسطوره‌ای و ارتباط میان فرد و محیط او همه و همه بسیار ارزش دارند. برای مثال تداوم شعر اندوهناک در میان بسیاری از شاعران برجسته بخش‌های گوناگون جزایر بریتانیا می‌تواند زمینه مناسبی را برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها به لحاظ شکل و سبک و محتوا فراهم کند. بر همین اساس ما می‌توانیم شعر «اینجا در سرزمین‌های خاموش»، اثر ۱۹۴۰ الن لولین ویلیامز<sup>۲</sup> را که چشم‌انداز فردی ولزی از جنگی متجاوزانه را به تصویر می‌کشد:

فایده‌ای ندارد خشمگین بودن در این معرکه

در این هجوم ماشین‌های جنگی

جامعه، فاسد شده، پایان یافته، پایان یافته

در نوای اندوه و درد؛ در آخرین آه.<sup>[34]</sup>

با شعر «ایرلند، ۱۹۷۲» اثر پل دورکن<sup>۳</sup> تطبیق دهیم:

کنار گور هنوز تازه مادر بزرگِ محبوبم

گور نخستین کشته محبوبم به دست برادر.<sup>[35]</sup>

یا با شعر «مرغان نوروزی» ۱۹۵۹ اثر ایان کرایتون اسمیت<sup>۴</sup>:

... در مرکز است

یکتا مرغ نوروزی به رنگ آبی

<sup>۱</sup> Terry Eagleton (۱۹۴۳ - ) نقاد ادبی انگلیسی.

<sup>۲</sup> Alun Llewellyn-Williams شاعر معاصر ولزی.

<sup>۳</sup> Paul Durcan (۱۹۴۴ - ) شاعر معاصر ایرلندی.

<sup>۴</sup> Ian Crichton-Smith (۱۹۲۸-۱۹۹۸) ادیب و شاعر اسکاتلندی.

تصویری که از آن می‌سازید، در طمعش  
 تنها اشتیاقی که به راستی واقعی است.  
 حتی نمی‌توانی تحسینش کنی. نیرویی است  
 به سادگی همانند بمب، ناچیز همچون مرگ  
 فرو می‌افتد خود نه دیگری، در میان  
 فراخ تصوراتی باشکوه که می‌پوشاند واقعیت شما را.

و با شعر «دوران سادگی شاه» اثر جفری هیل:

أه دستانت را به هم بزن تا کبوتر به پرواز درآید  
 به میان برگ بپرد و با آوایی نامنظم  
 فرو کند بال‌هایش را در سپیده سبز  
 بر فراز این جست‌وجوی طولانی و زمین متروک  
 ویرانه‌های نیم‌ساخته سرزمینی تازه  
 کلاهک‌های قارچ‌ها می‌پیچیدند به گرد صافی حوض.<sup>[37]</sup>

آنتونی تورلبی<sup>۱</sup> یکی از تطبیق‌گران برجسته بریتانیایی که برای کار تطبیقی خود سراسر اروپا را از نظر گذرانیده است می‌گوید در ادبیات فوریتی است که خواننده را «درگیر چیزهای دیگری جز زیبایی» می‌کند؛ «تنوع تجربیات در موضوعاتی همچون ترس و آزادی و بخشش که در نهایت پایه مطالعات تطبیقی را می‌گذارد، به همراه مسائل غیرادبی مرتبط با همین موضوعات».<sup>[38]</sup> در اینجا تورلبی رویکردی را مفروض می‌داند که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای ادبیات تطبیقی در جزایر بریتانیا مناسب باشد. درست همین استفاده نویسندگان از تجربیات متنوع به‌عنوان منبع اصلی به این فرض اشتباه دامن می‌زند که چون صرفاً زبان انگلیسی زبان غالب است و لندن مقر دولت بریتانیا، نوشتن به زبان انگلیسی باید ضرورتاً اصل در نظر گرفته شود. در واقع تأثیر نویسندگان غیر انگلیسی که زبان بومی آنها گونه‌هایی از زبان انگلیسی است رفته‌رفته باعث تغییر در واژگان می‌شود: ما اکنون «ادبیات انگلیس» را از «ادبیات در انگلیس»

<sup>1</sup> Anthony Thorlby

تمیز می‌دهیم؛ جابه‌جایی‌ای که طی دو دههٔ اخیر اتفاق افتاده است اما برای آینده فوق‌العاده اهمیت دارد. سی دی ناراسی مهیا<sup>۱</sup> از تمایل جدیدی که در به کار بردن زبان انگلیسی به وجود آمده است این‌گونه تعریف می‌کند:

اینکه زبان هیچ منطقه‌ای نیست از قدرت آن و ویژگی فوق‌العاده جهانی بودن آن است - تخیل سلتی، قدرت اسکاتلندی، درستی ساکسونی، موزون بودن ولزی و رک و پوست‌کنده بودن امریکایی آن - مناسب برای خلق روشنفکرانهٔ هندی و فرهنگ آمیخته‌ای نظیر فرهنگ ما. انگلیسی نه تنها زبانی خالص نیست بلکه ترکیبی از زبان‌هایی است که وحدتی تازه یافته‌اند.<sup>[39]</sup>

کلیتون کولب<sup>۲</sup> و سوزان نوکس<sup>۳</sup> در مقدمهٔ مجموعهٔ مقالات خود در زمینهٔ ادبیات تطبیقی در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ از تغییراتی می‌گویند که در دو دههٔ گذشته در مطالعات تطبیقی اتفاق افتاده است. آنها اشاره می‌کنند که علاقه به مطالعهٔ جریان‌ها و دوران‌های ادبی، همانند علاقه به مطالعهٔ انواع و تاریخ نقد رنگ باخته است. آنها از افزایش علاقه به آنچه انواع «فرعی» می‌نامند مانند زندگینامه‌نویسی و «بود یا نبود فصل مشترک میان مقوله‌های عام در نقد غربی و شرقی» می‌گویند.<sup>[40]</sup> در کتاب آنها زمینه‌های تازه برای مطالعه عبارت‌اند از: مطالعات زنان، تاریخ آموزش، نشانه‌شناسی و نظریهٔ خوانش. آنها این گرایش‌ها را به صورت زیر خلاصه می‌کنند:

تمایلی وجود دارد به دور شدن از موضوعاتی که در درک تاریخ ادبیات ضروری تشخیص داده می‌شوند؛ موضوعاتی که گنجینهٔ فرهنگی بزرگ و یکپارچه‌ای در نظر گرفته می‌شوند (جریان‌ها، مضمون‌ها، دوران‌ها و تاریخ اندیشه‌ها) و نزدیک شدن به موضوعاتی که گرد زمینه‌های نو می‌چرخند (ادبیات «در حال شکل‌گیری»، ارتباط با سایر حوزه‌ها، مطالعات زنان، شکل‌های به حاشیه رانده شدهٔ خوانش: «پیش‌خوانش»، «خوانش زنانه» و «خوانش ناباورانه»<sup>۴</sup>).

<sup>۱</sup> C. D. Narasimhaiah (۱۹۲۱-۲۰۰۵) استاد هندی زبان انگلیسی در کالج مهارجه، استاد مدعو در دانشگاه ییل و کویزنلند، پژوهشگر مقیم در مرکز بین‌المللی پژوهش ایتالیا.

<sup>۲</sup> Clayton Koelb استاد ادبیات تطبیقی زبان آلمانی در بخش ادبیات و زبان‌های آلمانی و اسلاوی دانشگاه کارولینای شمالی.

<sup>۳</sup> Susan Noakes (۱۹۵۰ - ) استاد انگلیسی دانشگاه مینی‌سوتا در بخش ادبیات فرانسه و ایتالیایی.

<sup>۴</sup> lethetic reading

این تمایل عام، خارج از محوریت سنتی تحلیل کلام انتقادی، البته ویژگی بارز دانش ادبی امروز است و به هر حال خاص ادبیات تطبیقی نیست.<sup>[41]</sup>

کولب و ناکس می‌گویند این تغییرات در حوزه ادبیات تطبیقی که در کتابشان مطرح شده منعکس‌کننده تغییراتی گسترده‌تر در حوزه دانش ادبی است. اگرچه بی‌شک این نظر درست است باید توجه داشت که حتی با در نظر گرفتن مسائلی چون تعریف فرهنگ، تعبیر دیگربودگی<sup>۱</sup>، افق دید خواننده، فرایند انتقال متن از طریق ترجمه، ارتباط زمان و مکان و زبان و هویت، مطالعه در حوزه ادبیات تطبیقی مجبور به دور شدن از صورت‌گرایی و نزدیک شدن به حوزه‌های پژوهش تطبیقی فرهنگ است که در عین پویایی و هیجان‌انگیز بودن بسیار پرمخاطره می‌نماید. جزایر بریتانیا زمینه مطلوبی را برای پژوهش در این رویکردهای نو پدید می‌آورد.

اجازه دهید در پایان این بحث دوباره به سراغ سیمس هینی برویم. «نامه سرگشاده» همان‌گون که قبلاً هم مطرح شد به‌عنوان قطعه‌ای که به مناسبت خاصی سروده شده، عکس‌العملی است در مقابل آنچه شاعر کاربرد نابجای لفظ «بریتانیا» در خصوص خودش تصور می‌کند. شعر شامل سی و سه قطعه است و در آن از مطلب قابل بحث طنزآمیزی سخن به میان می‌آید. در قطعه دهم، شاعر از چشم‌اندازهای گوناگون در خصوص مشترک بودن یا نبودن تاریخ می‌گوید و در قطعه یازدهم به‌نظر موضوع همپای رویکردی جهانی پیش می‌رود که در آن همه‌چیز «بخشی از گنجینه تازه و مشترک هنر» است، اما زبان شاعرانه مصنوعی و تقابل میان واژه‌های «کشورهای مشترک المنافع» و «مستقل» در ابیات همجوار، به جایگاه واقعی سخن‌گو اشاره دارد. در قطعه سیزدهم هینی از لیوی<sup>۲</sup> و هاریس<sup>۳</sup> به‌عنوان نمونه‌های بعدی نام می‌برد و در قطعه شانزدهم اعلان می‌کند:

خواهی فهمید که حاضر نیستم

<sup>1</sup> otherness

<sup>۲</sup> Titus Livius Patavinus مشهور به Livy (۵۹ قبل از میلاد - ۱۷ بعد از میلاد) تاریخ‌دان رومی که درباره تاریخ باشکوه روم و مردم آن نوشت.

<sup>۳</sup> Quintus Horatius Flacus (۶۵ قبل از میلاد - ۸ بعد از میلاد) شاعر غزلسرای تأثیرگذار رومی. در دنیای انگلیسی زبان مشهور است به Horace.

آنچه مال من است دزدیده شود  
موظنم...

شعر هینی به دلیل ارائه برداشتی کاملاً شخصی از وضع ناگوار نویسندگان ایرلند شمالی و به دست دادن نمونه‌ای تطبیقی، شاهکار است. تاریخ تأسفات ایرلند با توجه به اشعار شاعران آشفته رومی، اسطوره ایرلند مادری با در نظر گرفتن منابع اسطوره‌شناسی باستان و صور خیال تجاوز به عنف (فیلولم<sup>۱</sup> و لیدا<sup>۲</sup>)، تصویر خیالی ایرلند در تقابل با تصویر لندن، جهان ادبی، چشم‌انداز انگلستان آن گونه که دانلد دیوی<sup>۳</sup> معترض کاملاً جدی تحقیر به تصویر می‌کشد با واقعیت سببانه خانواده‌های چند شاخه شده و درگیری‌های داخلی برابر نهاده می‌شود. شعر با حکایتی قرن بیستمی مناسب فیلم‌سازی، آن گونه که نویسنده مخالف چکی میروسلاف هولوپ<sup>۴</sup> روایت می‌کند خاتمه می‌یابد و هینی رشته مطالب گوناگونی را به یک ریسمان می‌کشد: بافت، صحنه مخالفت او و با مخالفت هولوپ مقایسه می‌شود و هر دو شاعر به‌عنوان پیروان سنت کهن معرفی می‌گردند. «نامه سرگشاده» شعری است که از یک سو بدون دانش گسترده از ادبیات و فرهنگ‌های دیگر و از سویی دیگر بدون داشتن احساسی ریشه‌دار و عمیق از هویت شخصی در بافتی خاص امکان سروده شدن نداشت. در اصل نمونه‌ای از ادبیات تطبیقی است زیرا در جریان خواندن آن ما به دنبال کردن روند تفکر هینی، عقبگرد در زمان، گذر از محدوده‌های فرهنگی، سؤال کردن از فرضیات و به چالش کشیدن آنها و در نهایت پافشاری بر نیاز به فرایند اسم‌گذاری مشترک ترغیب می‌شویم. او با گفتن «اما بریتانیا نه» و «نمی‌تواند نام درستی باشد» قبل از بیت آخر به‌سادگی می‌گوید: «ارادتمند شما، سیمس».

<sup>۱</sup> Philomel قصه‌ای وحشتناک درباره دختری که شوهرخواهرش شاه ترئوس (Tereus) به او تجاوز می‌کند و زبان او را می‌برد (پیش‌درآمدی به لاونیا Lavinia دختری با سرنوشت مشابه در تیتوس آندرونیکوس Titus Andronicus اثر شکسپیر).

<sup>۲</sup> Leda دختر تستیوس (Thestius) و همسر تینداریوس (Tyndareus) در اسطوره‌شناسی، که زئوس به شکل یک قو به او تجاوز می‌کند. این افسانه سوژه‌ای عام در دوره روشنگری برای هنرمندانی نظیر وینسی (Vinci)، میکلائو و روبنس (Rubens) بوده است.

<sup>۳</sup> Donald Alfred Davie (۱۹۲۲-۱۹۹۵) شاعر و منتقد ادبی انگلیسی.

<sup>۴</sup> Miroslav Holub (1923-1998)

پژوهش در ادبیات تطبیقی جزایر بریتانیا همانند شعر هینی با فکر کردن دوباره به فرایندهای نام‌گذاری شروع می‌شود و پایان می‌یابد. در این خصوص چنین اقدام تهورآمیزی کاملاً به فرایندهای نام‌گذاری و دوباره نام‌گذاری مشابهی مرتبط می‌شود که در سایر بافت‌های پسااستعماری در حال اجرا است.

#### پی‌نوشت‌های نویسنده

1. Seamus Heaney, "An Open letter", in Field Day Theatre Company, *Ireland's Field Day*, London: Hutchinson, 1985: 23-30.
2. Glanville Price, *The Languages of Britain*, London: Edward Arnold, 1984.
3. price, p. 186.
4. Henry Wyld, *The Growth of English*, London: Murray, 1907, p. 48.
5. George Sampson, *English for the English*, London, 1925, p. 41.
6. Saunders Lewis, "Byd a Betws" (1941), cited in Thomas Parry, *A History of Welsh Literature*, trans. H. Idris Bell, Oxford: Clarendon, 1955, p. 412.
7. Hugh Macdiarmid, from "A Drunk Man Looks at the Thistle", in M. Grieve and W. Aitken (eds), *complete Poems*, London: Martin Brian and O'Keeffe, 1978.
8. Thomas Davis, "Our National Language", in Mark Storey (ed.), *Poetry and Ireland since 1800: A Source Book*, London: Routledge, 1988, p. 47.
9. John Williams, *Twentieth-Century British Poetry. A Critical Introduction*, London: Edward Arnold, 1987, p. 95.
10. Heaney, 1985.
11. John Hewitt, "An Irishman in Coventry", in Frank Ormsby (ed.), *Poets from the North of Ireland*, Belfast: Blackstaff Press, 1979, p. 28.
12. Sorley Maclean, in Robin Bell (ed.), *The Best of Scottish Poetry*, Edinburgh: Chambers, 1989, p. 112.
13. Michael O'Loughlin, "Cuchulainn", in Sebastian Barry (ed.), *The Inherited Boundaries: Younger Poets of the Republic of Ireland*, Dublin: Dolmen, 1986, p. 123.
14. John Montague, "Like Dolmens Round My Childhood, the Old People", in Ormsby, pp. 89-90.
15. Norman MacCaig, "Rings on a Tree" (1968), in Charles King, *Twelve Modern Scottish Poets*, London: University of London Press, 1971, p. 102.
16. John Speirs, "A Survey of Medieval Verse", in Boris Ford (ed.), *The Age of Chaucer*, Harmondsworth: Penguin, 1954, p. 54.
17. William of Malmesbury (c. 1130) cited in Bruce Dickins and R. M. Wilson (eds), *Early Middle English Texts*, London: Bowes and Bowes, 1951, p. xvii.
18. Douglas Hyde, *A Literary History of Ireland*, London: Benn, 1967 (first published 1899), p. 216.
19. Hyde, p. 453.
20. Hyde, p. 493.

21. *The Complaynt of Scotland* (1549), cited in Glanville price, p. 189.
22. *The Complaynt of Scotland*, cited in Rory Watson, *The Literature of Scotland*, London: Macmillan, 1984, p. 93.
23. Parry, p. 196.
24. Michael Kelly, *Reminiscences*, vol. 1, cited in Hyde, p. 622.
25. Nicholas phillipson, *The Enlightenment in Context*, Cambridge: Cambridge University Press, 1981, pp. 19-20.
26. Sean Lucy, "What is Anglo-Irish Poetry?", in Sean Lucy (ed.), *Irish Poets in English*, Cork and Dublin, 1973, p. 15.
27. David Cairns and Stean Richards, *Writing Ireland: Colonialism, Nationalism and Culture*, Manchester University Press, 198, p. 154.
28. Siegbert Praver, *comparative Literary Studies: An Introduction*, London: Duckworth, 1973, p. 13.
29. Pierre Bourdieu, "La paradoxe du sociologue", in *Questions de sociologie*, Paris: Editions de Minuit, 1980, p. 86.
30. Patrick Kavanagh, from *Collected Prose*, 1967, in Storey, pp. 200-6.
31. Kavanagh, pp. 205-6.
32. Jakie Kay, "Photo in the Locket", in *The Adoption Papers*, Newcastle upon Tyne: Bloodace Books, 1991, p. 49.
33. MacDiarmid, pp. 1170-1.
34. Alun Llewellyn-Williams, "Here in the Quiet fields", cited in Parry, p. 431.
35. Paul Durcan, "Ireland, 1972", in Paul Muldoon (ed.), *The Faber Book of Contemporary Irish Poetry*, London: Faber and Faber, 1986, p. 314.
36. Ian Crichton-Smith, "Swagulls", in King, p. 172.
37. Geoffrey Hill, "Idylls of the King", from *Tenebrae*, London: André Deutsch, 1978.
38. Anthony Thorlby, *The Times Literary Supplement*, 25 July 1968, p. 794.
39. C. D. Narasimhaiah, *the Swan and the Eagle*, Simla, Indian Institute of Advanced Study, 1969, p. 8.
40. Clayton Koelb and Susan Noakes, *The Comparative Perspective on Literature: Approaches to Theory and Practice*, New York, Cornell University press, 1988, p. 6.
41. Koelb and Noakes, p. 6.